

افزایش قیمت نفت سنگین ایران

جدیدترین گزارش ماهانه اوپک نشان داد قیمت نفت سنگین ایران در ژوئن، ۵ دلار و ۸۸ سنت نسبت به ماه پیش از آن افزایش یافت و به ۶۹ دلار و ۱۳ سنت در هر بشکه رسید.

سبد نفتی اوپک در ژوئن، به ۶۹ دلار و ۷۳ سنت در هر بشکه رسید که ۶ دلار و ۱۱ سنت در مقایسه با ماه مه افزایش داشت. میانگین سبد نفتی اوپک از ابتدای سال میلادی جاری تاکنون ۷۲ دلار و ۴ سنت در هر بشکه بوده است.

تولید نفت اوپک در ژوئن به ۲۷،۲۳۵ میلیون بشکه در روز رسید که بر مبنای ماه به ماه، ۲۲۰ هزار بشکه در روز افزایش داشت. تولید نفت ایران با ۶۲ هزار بشکه در روز کاهش به ۳،۲۴۱ میلیون بشکه در روز رسید. تولید نفت هم‌پیمانان اوپک در گروه اوپک‌پلاس در ژوئن به ۱۴،۲۲۳ میلیون بشکه در روز رسید که بر مبنای ماهانه، ۱۲۹ هزار بشکه در روز افزایش داشت. مجموع تولید اوپک و متحدانش طی ماه میلادی گذشته به ۴۱،۵۵۹ میلیون بشکه در روز رسید که ۲۴۹ هزار بشکه در روز افزایش داشت.

تحلیگران شرکت LSEG در یادداشتی اعلام کردند باوج گرفتن سفرهای تابستانی وفعالیت‌صنعتی، تقاضای فصلی قوی در حال حاضر، نیروی صعودی برای قیمت نفت فراهم کرده‌است.مصرف بالاتر بنزین بویژه در آمریکا در تعطیلات اخیر این کشور، وجود تقاضای قوی را بارز کرد و به جبران فشار نزولی ناشی از ذخایر رو به رشد و نگرانی‌های تعرفه‌ای کمک کرد.

داده‌های جدید نشان داد رشد اقتصادی چین در ۳ماهه دوم اسماال آهسته شده است اما این کندی کمتر از میزان پیش‌بینی شده بود و تا حدودی نگرانی‌ها نسبت به وضعیت بزرگ‌ترین واردکننده نفت جهان را برطرف کرد. همچنین آمار نشان داد پالایش نفت خام چین در ژوئن، ۸۵ درصد نسبت به مدت مشابه سال گذشته افزایش یافته که نشانه تقاضای قوی‌تر برای سوخت است. بااین حال، برخی این بهبود قیمت را موقت دانستند. پریلکااساچودا،تحلیلگر بازار شرکت «فیلیپ‌نوو» اظهار کرد تثبیت بازارهای نفت پس از ۲ روز معامله پرنوسان، نتیجه اصلاح فنی ملایم بوده و تغییر قابل ملاحظه‌ای در عوامل بنیادین بازار روی نداده است.

سرمایه‌گذاران باید انتظارات تورمی و نرخ بهره در آمریکا را زیر نظر داشته باشند، زیرا ترامپ همچنان به دنبال اعمال تعرفه‌های گسترده است که می‌تواند تورمرا باشد و به تقاضا برای سوخت در میان‌مدت لطمه بزند.

■ ■ ■

آغاز فروش بلیت اتوبوس‌های ویژه‌اربعین

مدیرعامل اتحادیه تعاونی‌های مسافربری کشور از آغاز فروش بلیت اتوبوس‌های ویژه‌اربعین خبر داد و نرخ بلیت اتوبوس از تهران به شهرهای مرزی با عراق را اعلام کرد. بر این اساس، نرخ بلیت تهران – مرز مهران به عنوان پر تقاضاترین مسیر در این ایام یک میلیون و ۴۶۲ هزار تومان تعیین شده است.

احمدرضا عامری روز گذشته در گفت‌وگو با ایسنا، با اشاره به عرضه بلیت‌های اربعین، اظهار کرد: از امروز (۲۵ تیرماه) به عرض بلیت اتوبوس‌های ویژه ایام اربعین آغاز می‌شود و مسافران می‌توانند با مراجعه به سایت‌های معتبر نسبت به خرید بلیت اقدام کنند.

وی افزود: برای مسیریهایی که تقاضا زیاد باشد، برنامه‌ریزی‌های لازم صورت گرفته و سرویس‌های کمکی در نظر گرفته می‌شود.

مدیرعامل اتحادیه‌تعاونی‌های‌مسافربری کشور تصریح کرد: بازار بلیت رصد می‌شود و عرضه بر اساس نرخ‌های مصوب خواهد بود.

گفتنی است نرخ بلیت اتوبوس بسته به نوع اتوبوس یعنی ۲۵ تا ۲۷ نفره، ۳۰ تا ۳۲ نفره و ۴۰ تا ۴۴ نفره متفاوت است. برای مثال قیمت اتوبوس ۲۵ تا ۲۷ نفره در مسیرهای تهران – مهران یک میلیون و ۴۶۲ هزار تومان، تهران – شلمچه یک میلیون و ۷۷۷ هزار تومان، تهران – چذابه یک میلیون و ۷۰۰ هزار تومان، تهران – خسروی یک میلیون و ۳۱۶ هزار تومان، تهران –باشماق یک میلیون و ۲۲۵ هزار تومان و تهران – تمرچین یک میلیون و ۴۲۶ هزار تومان تعیین شده است.

■ ■ ■

نرخ تورم رژیم صهیونیستی افزایش یافت

داده‌های منتشرشده نشان می‌دهد نرخ تورم رژیم صهیونیستی در ژوئن به ۳،۳ درصد افزایش یافت که بالاتر از انتظارات تحلیلگران بود.

تحلیلگران پیش‌بینی کرده بودند شاخص قیمت مصرف‌کننده در ژوئن بین ۰.۱ تا ۰.۲ درصد افزایش یابد و به ۳،۱ درصد برسد اما نرخ تورم ژوئن، از نرخ ۳،۱ درصدی پیش‌بینی شده اقتصاددانان فراتر رفت و به ۳،۳ درصد رسید و بالاتر از نرخ سالانه یک تا ۳ درصد گذشت.

هدف‌گذاری بانک مرکزی «اسرائیل» باقی ماند. اداره مرکزی آمار اسرائیل همچنین تغییر قیمت مسکن را که بخشی از شاخص قیمت مصرف‌کننده عمومی نیست بین مارس تا آوریل ۲۰۲۵ و آوریل تا مه ۲۰۲۵ منتشر کرده است؛ به‌طور متوسط قیمت‌ها ۰،۳ درصد نزولی شدند و این سومین ماه متوالی است که قیمت‌ها پس از کاهش ۰،۱ درصدی در ماه گذشته و ۰،۲ درصدی ۲ ماه پیش، نزول کردند.

شاخص قیمت مسکن ۳،۹ درصد بین مارس تا آوریل ۲۰۲۵ نسبت به مارس تا آوریل ۲۰۲۴ رشد کرد و میانگین قیمت مسکن نوساز ۳،۸ درصدافزایش یافت. هزینه‌های سفرهای خارجی ۴،۵ درصد و هزینه اقامت در هتل ۸،۱ درصدافزایش یافت، زیرا دهها شرکت هواپیمایی در بحبوحه تجلوز رژیم صهیونیستی به ایران، خدمات خود به اراضی اشغالی را لغو کردند.

پایگاه خبری اینوسنتینگ گزارش کرد نرخ تورم بالاتر از حد انتظار، احتمالاً مانع کاهش نرخ بهره توسط سیاست‌گذاران مالی در آینده نزدیک خواهد شد، زیرا آخت همچنان با فشارهای قیمتی در اقتصاد دست و پنجه نرم می‌کنند.

بر اساس گزارش بانک مرکزی، اقتصاد ایران در سال ۱۴۰۳ به‌رغم کاهش نسبی نرخ رشد، همچنان مسیر مثبت خود را حفظ کرد

اقتصاد روی ریل ثبات

رشد اقتصادی ایران سال گذشته (۳٫۱ درصد)ثبت شد و تقریباً همه بخش‌ها روند صعودی را حفظ کردند



■

قیمت جهانی نفت نیز در سال ۱۴۰۳ با افت نسبی روبه‌رو بود. این کاهش قیمت، بدون افت محسوس در حجم صادرات، باعث افت ارزش افزوده این بخش شد. یعنی ایران همان میزان نفت را صادر کرد اما با قیمت کمتر، درآمد پایین‌تری داشت. چنین وضعیتی نشان می‌دهد حتی در شرایط ثبات نسبی صادرات، اقتصاد نفتی کشور به‌شدت وابسته به نوسانات قیمت جهانی است؛ وابستگی‌ای که می‌تواند در صورت فقدان سیاست‌های پوششی و تنوع‌بخشی به منابع ارزی، به آسیب‌پذیری ساختاری منجر شود. در کنار این عوامل، محدودیت‌های سرمایه‌گذاری خارجی نیز همچنان گریبانگیر صنعت نفت بود. ضعف منابع مالی، باعث شد ظرفیت تولید به شکل معناداری افزایش پیدا نکند. همچنین فضای نااطمینان سیاسی در عرصه بین‌المللی و... مانع گسترش زیرساخت‌های صادراتی و تولیدی شد. این شرایط موجب شد صنعت نفت در سال ۱۴۰۳ نتواند موتور محرک رشد اقتصادی کشور باشد.

در نهایت، کاهش روند رشد بخش نفت یکی از مهم‌ترین عوامل افت کلی نرخ رشد اقتصادی کشور در سال ۱۴۰۳ بود. این وضعیت نشان می‌دهد اقتصاد ایران برای رسیدن به رشد پایدار، نیازمند کاهش وابستگی به درآمد‌های نفتی و تقویت بخش‌های غیرنفتی، بویژه صنعت و خدمات است. همچنین سیاست‌گذاری‌های هوشمندانه برای مدیریت نوسانات بازار نفت و جذب سرمایه‌گذاری داخلی و خارجی در بخش انرژی می‌تواند راهکار مؤثری برای عبور از تنگنای‌های فعلی باشد.

به طور کلی می‌توان گفت اقتصاد ایران در سال ۱۴۰۳ به‌رغم کاهش نسبی در نرخ رشد، همچنان مسیر مثبت خود را حفظ کرده است اما نشانه‌هایی از کاهش شتاب در برخی بخش‌های مهم، بویژه صنعت و نفت، نیازمند بازنگری سیاست‌هاست. کاهش سرمایه‌گذاری نیز تهدیدی برای رشد پایدار در سال‌های آینده تلقی می‌شود. تداوم این روند، در صورت عدم اصلاح سیاست‌های اقتصادی و نبود برنامه‌های توسعه‌ای هدفمند، می‌تواند به کند شدن موتور رشد ملی منجر شود و چالش‌هایی تازه برای اشتغال، تولید و رفاه ایجاد کند.

برای حفظ و تقویت این روند، اولویت‌بخشی به سرمایه‌گذاری مولد، تسهیل فضای کسب‌وکار، توسعه بخش‌های غیرنفتی و افزایش بهره‌وری ضرورت دارد. نگاه تحلیلی به سال ۱۴۰۳ نشان می‌دهد اقتصاد ایران آستانه ثبات نسبی را حفظ کند اما برای عبور از چالش‌های پیش رو، نیاز به اصلاحات هدفمند و حمایت از ظرفیت‌های داخلی دارد. آینده رشد اقتصادی کشور در گرو تصمیمات استراتژیک امروز است؛ تصمیماتی که باید با درک دقیق از واقعیت‌های اقتصادی و نگاهی بلندمدت، مسیر پایداری را برای توسعه ملی ترسیم کنند.

ضعف‌ها:

– **نگرش سنتی:** بحث‌های اقتصادی ما اغلب درگیر دوگانه‌های ساده «چاپ پول» و «تورم» است، بدون آنکه به این پرسش کلیدی پاسخ دهیم که این پول کجا، چگونه و با چه هدفی باید توزیع شود.
– **عدم هدفمندی:** در بسیاری از موارد، رشد نقدینگی به جای هدایت به سمت تولید و اشتغال راهبردی، به سمت بازارهای سفته‌بازی و فعالیت‌های غیرمولد حرکت می‌کند که نتیجه‌ای جز تورم و تضعیف تولید ملی ندارد.

فرصت‌ها و راهکارها:

– **با-تعریف سیاست پولی در چارچوب اقتصاد مقاومتی:** سیاست پولی باید به ابزار اصلی تحقق اقتصاد مقاومتی تبدیل شود. این سیاست باید بتواند نقدینگی را به سمت صنایع دانش‌بنیان، زنجیره‌های تولید استراتژیک و پروژه‌هایی که اشتغال پایدار ایجاد می‌کنند، هدایت کند.

– **«خلق» مشارکت ملی:** همانند تجربه موفق آمریکا، سیاست‌های توزیع پول باید به گونه‌ای طراحی شوند که عموم مردم، کارآفرینان و کارگران، خود را به پیشبرد اهداف ملی سهیم بدانند. این امر از طریق یارانه‌های هوشمند، اعتبارات هدفمند برای تولیدکنندگان و شفافیت در عملکرد اقتصادی دولت حاصل می‌شود.

– **مبارزه با سازوکارهای ضد جنگ:** سیاست پولی باید فعالانه علیه سازوکارهایی به کار گرفته شود که جنگ اقتصادی دشمن را تسهیل می‌کنند. این شامل مقابله با احتکار، سفته‌بازی ارز و طلا، و خروج سرمایه از کشور است. پول ملی باید ابزاری برای تقویت جبهه خودی باشد، نه تضعیف آن.

– **استفاده از فناوری‌های نوین مالی:** دیجیتالی شدن مبادلات و ظهور فناوری‌هایی مانند فین‌تک، یک نقطه عطف تاریخی است. این فناوری‌ها فرصتی بی‌نظیر برای افزایش شفافیت، کارآمدی و سرعت گردش پول در اقتصاد فراهم می‌کنند. ما باید با آغوش باز به استقبال این تحولات برویم و از آنها برای طراحی یک سیاست پولی هوشمند، فراگیر استفاده کنیم تا وجه‌فائورانه پول خود-بفراوریم.
نبرد امروز، یک نبرد ذهنی‌ناختی و فناوریانه است. همان‌طور که موشک‌ها و پهپادهای ما نیاز به روزآمدی دائمی دارند، «فناوری پول» ما نیز کهنه می‌شود و باید خود را بازایی کند. غفلت از این امر، ما را در برابر دشمن آسیب‌پذیر می‌سازد. سیاست پولی صرفاً یک مساله اقتصادی نیست، بلکه یک امر راهبردی و امنیتی است. زمان آن فرا رسیده که با عبور از نگرش‌های منسوخ، پول را به سلاحی کارآمد برای هماهنگ کردن جامعه، تقویت تولید و پیروزی در جنگ اقتصادی تبدیل کنیم. این مستلزم آن است که تصمیمات دقیقی درباره این ابزار قدرتمند گرفته شود.

از نگاه پژوهش‌های اقتصادی، نوسانات ارزی بیشترین اثر منفی را بر شاخص‌های صنعتی و معدنی گذاشته‌اند، به‌طوری‌که در تحلیل‌های مدل‌سازی، افزایش بی‌ثباتی ارزی تا ۰،۳۵ درصد کاهش در ارزش افزوده صنعت را به‌همراه داشته است. در داده‌های رسمی نیز مشاهده می‌شود رشد ارزش افزوده صنعت در سال ۱۴۰۳ به ۲،۳ درصد محدود شده، در حالی که در سال ۱۴۰۲ این رقم ۴،۴ درصد بود. همچنین شاخص تولید کارگاه‌های بزرگ صنعتی با بیش از ۱۰۰ نیروی انسانی، که سهم قابل‌توجهی از تولید صنعتی کشور را به خود اختصاص می‌دهد، در سال ۱۴۰۳ تنها ۱،۲ درصد رشد داشت و نسبت به سال قبل خود دچار افت شده است. این آمارها نشان می‌دهد بخش صنعت در سال ۱۴۰۳ با چالش‌های جدی مواجه بوده به یازمند بازنگری در سیاست‌های ارزی و صنعتی کشور است. به‌طور مشخص، کاهش رشد در سال ۱۴۰۳ ارتباط مستقیمی با افزایش نرخ ارز و تبعات زنجیره‌ای آن در صنعت دارد. فقدان مواد اولیه، محدودیت در واردات ماشین‌آلات، افزایش قیمت‌نهایی کالاها و افت سرمایه‌گذاری، همگی از دلایلی هستند که رشد صنعتی کشور را کند کرده‌اند. برای مقابله با این روند، لازم است سیاست‌هایی نظیر تثبیت نرخ ارز، تسهیل واردات اقلام پایه‌ای، حمایت از تولیدکنندگان داخلی و ارتقای بهره‌وری در فرآیندهای صنعتی به‌صورت هدفمند اجرایی شوند تا بخش صنعت دوباره بتواند نقش محرک خود را در رشد اقتصادی ایفا کند. همچنین توسعه صنایع دانش‌بنیان و کاهش وابستگی به واردات می‌تواند راهبردی بلندمدت برای مقاوم‌سازی صنعت باشد.

■ **حفظ روند صعودی صادرات نفت ایران**
وضعیت رشد بخش نفت در اقتصاد نیز سال ۱۴۰۳ با افت چشم‌گیر نسبت به سال ۱۴۰۲ همراه بود. افت چشم‌گیر رشد بخش نفت در سال ۱۴۰۳ در مقایسه با جهش غیرمعمول سال ۱۴۰۲ عمدتاً ناشی از بازگشت اقتصاد نفتی به سطح تولید پایدار بود. در سال ۱۴۰۲ رشد این بخش به حدود ۱۸۸ درصد رسید که حاصل افزایش چشم‌گیر صادرات نفت و بهبود ظرفیت تولید پس از دوره‌های رکود و تحریم بود. اما در سال ۱۴۰۳ این روند با کاهش محسوس به ۴،۶ درصد رسید؛ افتی که بیش از ۱۴ واحد درصد از رشد را کاهش داد و فضای اقتصاد را به تعادل نسبی بازگرداند. این کاهش، اگرچه از منظر پایداری تولید قابل‌انتظار بود اما از منظر اثرگذاری بر رشد کل اقتصاد قابل‌توجه است.

یکی از دلایل کلیدی این افت، «پایه» مقایسه بالا» در سال گذشته بود؛ یعنی جهش سال ۱۴۰۲ موجب شد رشد سال ۱۴۰۳ از دید آماری کمتر جلوه کند بویژه که صادرات نفت ایران در سال ۱۴۰۳ همچنان در سطح مناسبی حفظ شد اما رشدی نسبت به سال قبل نداشت و در مدار ثبات باقی ماند.از سوی دیگر،

سلاح پول

۲–۲ مسیر، یک جنگ: درس‌هایی از آلمان نازی و آمریکا

هیچ راهنمایی از پیش نوشته‌نشده‌ای برای سیاست‌گذار در شرایط جنگی وجود ندارد. بهترین راه، درس‌آموزی از تاریخ است. تجربه آلمان و ایالات متحده در جنگ دوم جهانی، یک آزمایشگاه تاریخی بی‌نظیر برای فهم ۲ رویکرد متفاوت به سیاست پولی است. الف- تجربه آلمان نازی: تمرکزگرایی دولتی و غفلت از وجه ملی آلمان نازی پیش از جنگ، با سیاست‌های ریاضتی و بحران بانکی، دچار پریشانی عمیق اقتصادی و اجتماعی بود. روی کار آمدن نازی‌ها، سیاست‌های اقتصادی و پولی را کاملاً در خدمت اهداف نظامی قرار داد. بخش عظیمی از درآمد ملی و سرمایه‌گذاری صنعتی، صرفاً برای پروژه‌های مرتبط با تسلیحات اختصاص یافت. در ظاهر این یک سیاست موفق برای آماده‌سازی ماشین جنگی بود اما این رویکرد یک نقص مرگبار داشت: سیاست پولی آلمان، تحرک اقتصادی و پولی را در نظر نمی‌گرفت. زنجیره تولید و تأمین کاملاً به دولت وابسته بود و پولی که چاپ می‌شد، میان یک عده معدودی در حلقه دولت و صنایع نظامی به گردش درمی‌آمد. این مدل، مردم را از صحنه اقتصاد ملی کنار می‌گذاشت و آنها را صرفاً به کارگران ماشین جنگی حکومت تبدیل می‌کرد. سیستم توزیع اقتصادی پول، اتصال‌های ملی را دنبال نمی‌کرد. نتیجه این سیاست، یک تورم افسارگسیخته (حدود ۷۰ درصد سالانه) و یک اقتصاد شکننده بود. با اینکه ظاهر سیاست‌ها بر بیسج منابع متمرکز بود اما در عمل ظرفیت‌های انسانی و تولیدی کشور را به شکلی ناکارآمد به کار گرفت و نتوانست انسجام ملی لازم برای یک جنگ فرسایشی را فراهم آورد.

ب – تجربه ایالات متحده: ملی کردن تولید و مشارکت عمومی در سوی دیگر میدان، ایالات متحده قرار داشت که دهه‌های مطالعاتی را پشت سر گذاشته بود. سیاست «نیو دیل» در دهه ۱۹۳۰، با همه ضعف‌هایش، یک زیرساخت اقتصادی مبتنی بر مشارکت عمومی ایجاد کرد که بود. سیاست‌های پولی و مالی آمریکا، مانند یارانه‌ها، حمایت‌های تعرفه‌ای و تشویق مشاغل خصوصی، باعث ایجاد یک تقسیم‌کار پیچیده و درهم‌تنیده در جامعه شده بود. این رویکرد به جای داخلی شدن تولید که (دولت همه‌چیز را کنترل کند)، بر ملی کردن تولید متمرکز بود؛ یعنی سهیم کردن همه اجزای جامعه در یک هدف مشترک. سیاست‌های پولی و توزیع پول، به‌دقت نقاط خاصی از اقتصاد را هدف می‌گرفت تا یک «مادگی ملی» ایجاد کند. گزارش‌ها نشان می‌دهد این سیاست‌ها باعث رشد ۲ برابری در درآمد صنایع در آن دوران شد. این آمادگی به پول ملی ایالات متحده اجازه داد از وجه‌فائورانه خود برای

گروه اقتصادی: رشد اقتصادی به‌عنوان یکی از شاخص‌های کلیدی سلامت اقتصاد، بازتاب‌دهنده توان تولیدی کشور، میزان سرمایه‌گذاری و کارایی بخش‌های مختلف اقتصاد است. در سال‌های اخیر، اقتصاد ایران تحت تأثیر عوامل داخلی و خارجی، از جمله تحریم‌ها، نوسانات نفتی و تحولات ساختاری، عملکردی نوسانی داشته است. اگرچه اقتصاد ایران در سال ۱۴۰۳ همچنان در مسیر رشد قرار داشته اما کاهش نرخ رشد نسبت به سال ۱۴۰۲ حاکی از چالش‌هایی در حفظ شتاب توسعه اقتصادی است. افت در بخش‌های نفت، صنعت و سرمایه‌گذاری می‌تواند نشانه‌ای از محدودیت‌های ساختاری، فشارهای خارجی یا کاهش تقاضای داخلی باشد.

در این گزارش بررسی دقیقی از نرخ‌های رشد سال ۱۴۰۳ در مقایسه با سال ۱۴۰۲ انجام شده تا تصویری واقعی از مسیر حرکت اقتصاد کشور و نقاط قوت و ضعف آن به سیاست‌گذاران ارائه دهد تا درک بهتری از اثرگذاری متغیرهای بیرونی و درونی بر رشد اقتصادی وجود داشته باشد.

سال ۱۴۰۳ اقتصاد ایران با رشد ۳،۱ درصدی تولید ناخالص داخلی (GDP) با احتساب قیمت و ۳،۰ درصدی بدون نفت، به قیمت‌های ثابت سال ۱۴۰۰، عملکردی مثبت اما کندتر نسبت به سال قبل از خود ثبت کرد. این در حالی است که در سال ۱۴۰۲ رشد اقتصادی کشور به ترتیب ۴،۵ درصد با نفت و ۳،۶ درصد بدون نفت بود. بنابراین، نرخ رشد اقتصادی سال ۱۴۰۳ نسبت به سال ۱۴۰۲ کاهش یافته که نشان‌دهنده افت شتاب در روند توسعه اقتصادی کشور است. این افت شتاب، بویژه در شرایطی که اقتصاد ایران نیازمند تحرک بیشتر برای جبران عقب‌ماندگی‌های ساختاری است، باید با سیاست‌گذاری جدید اصلاح شود.

این کاهش رشد بویژه در برخی بخش‌ها مشهود است. در حالی که بخش نفت و گاز در سال ۱۴۰۲ رشد چشمگیر ۱۴،۷ درصدی داشت، این رقم در سال ۱۴۰۳ به ۴،۶ درصد محدود شد. همچنین بخش صنعت که سال ۱۴۰۲ رشد ۴،۴ درصدی را تجربه کرده بود، در سال ۱۴۰۲ تنها ۲،۳ درصد رشد داشت. شاخص تولید کارگاه‌های بزرگ صنعتی نیز از رشد ۳،۸ درصدی سال ۱۴۰۲ به ۱،۲ درصد در سال ۱۴۰۳ کاهش یافت. این افت در بخش‌های مولد اقتصاد، بویژه صنعت، نشان‌دهنده کاهش ظرفیت تولید و ضعف در تأمین زیرساخت‌های لازم برای رشد پایدار است.

در بخش خدمات، رشد اقتصادی از ۳،۸ درصد در سال ۱۴۰۲ به ۳،۳ درصد در سال ۱۴۰۳ رسید، که اگرچه کاهش یافته اما همچنان سهم قابل توجهی در رشد کل دارد. بخش کشاورزی نیز با رشد ۳،۶ درصدی در سال ۱۴۰۳ نسبت به رشد

■

در هنگامه نبردهای بزرگ و شرایط اضطراری، معمولاً نگاه اقتصاددانان و سیاست‌گذاران به مسائل پولی، به چند نگرانی کلاسیک محدود می‌شود: کنترل نقدینگی، مهار تورم و حفظ ارزش پول ملی. اما این نگرش هرچند ضروری، از یک غفلت بزرگ رنج می‌برد. این غفلت، نادیده گرفتن وجه‌فائورانه پول است؛ یعنی درک پول نه صرفاً به‌عنوان ابزار مبادله، بلکه به‌عنوان یک سامانه پیچیده برای سازماندهی، بسیج و هماهنگ‌سازی ظرفیت‌های ملی. این یادداشت تلاش می‌کند با الهام از تجارب تاریخی جنگ‌های بزرگ، بویژه جنگ دوم جهانی، نشان دهد که چرا سیاست پولی در زمان جنگ و تحریم، باید از یک ابزار منفعل کنترل‌تورم، به یک ابزار فعال برای مدیریت اقتصاد نبرد و تقویت قدرت ملی تبدیل شود.

۱- وظایف نوین سیاست پولی در هنگامه نبرد
در گذشته، وظیفه سیاست پولی در جنگ روشن بود: تأمین هزینه‌های دولت. امروز اما وظایف به ۲ بخش کلاسیک و نوین تقسیم می‌شود. این واقعیت که جنگ، پول و تورم دست در دست هم حرکت می‌کنند، حقیقتی باستانی است. حدود ۵۰۰ سال پیش از میلاد، سان تزو، استراتژیست چینی، نوشت: «هر جا که ارتش باشد، قیمت‌ها بالااست؛ وقتی قیمت‌ها افزایش می‌یابد، ثروت مردم تمام می‌شود.» این توصیف دقیق شرایطی است که، جنگیدن، با کاهش تولید از یک سو و افزایش تقاضا و هزینه‌های نظامی از سوی دیگر، رقم می‌زند.

با این حال، در دنیای مدرن، سیاست پولی صرفاً ابزاری برای تأمین مالی نیست. مورخ سوندی، پیتر انگلوند، ارتش سوند در جنگ ۳۰ ساله را به کوسه‌ای تشبیه می‌کند که برای زنده ماندن باید دائماً شنا کند. امروز این «کوسه» همان اقتصاد ملی است. حرکت این کوسه دیگر به معنای لشکر کشی نظامی نیست، بلکه به حرکت پول در جریان‌های اقتصاد کشور وابسته است. بنابراین سیاست‌های پولی نوین، علاوه بر وظایف کلاسیک، ۲ مسؤولیت کلیدی دیگر بر عهده دارند:

– **کاستنن از پیامدهای منفی رشد پول:** مدیریت آثار تورمی و جلوگیری از تخریب ساختار اقتصادی.

– **افزودن بر قدرت ملی:** استفاده از پول به‌عنوان ابزاری برای

جهت‌دهی به تولید، افزایش اشتغال راهبردی و تقویت ارزش بلندمدت پول ملی.

این سیاست‌ها چگونه می‌توانند اقتصاد را به حرکتی وارداند که اهداف ملی را محقق کند؟



محمدآمین حقگو